

میانجیگری روسیه و عواقب آن



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

مقام‌های رسمی کاخ کرملین از طرح مسئله هسته‌ای ایران در مذاکرات هیئت‌های بلندپایه روسیه و آمریکا در ریاض خبر داده‌اند و در عین حال تأیید کرده‌اند که این مسئله به صورتی مجزا در مذاکرات آتی دو طرف بر سر جنگ اوکراین، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

روس‌ها آمادگی خود را برای میانجیگری بر سر این موضوع اعلام کرده‌اند و خواستار حل اختلافات ایران و آمریکا از راه گفت‌وگو و مذاکره شده‌اند. طبق گزارش رسانه‌ها، ترامپ و تیم همکارش نیز خواستار دخالت مسکود در این زمینه شده‌اند.

با این حساب، در روزهای آینده روس‌ها برای کمک به حل اختلافات بین ایران و آمریکا به طور جدی وارد صحنه خواهند شد. این حرکت غیرمتربقه که ناشی از گرم شدن روابط پوتین و ترامپ و تمایل آنان برای پایان دادن به جنگ اوکراین است، قاعدتاً پرسش‌های بسیاری با خود به همراه دارد؛ پرسش‌هایی از این قبیل که آیا اقدام روسیه برای ایران تهدید است یا فرصت؟ فرمول مورد نظر آنها برای حل اختلافات ایران و آمریکا چیست؟ واکنش تهران به میانجیگری آنها چه خواهد بود؟

در بین اغلب ایرانیان به روسیه به عنوان کشوری غیرقابل اعتماد نگریسته می‌شود. این نگرش سابقه تاریخی دارد اما در سال‌های اخیر به نظریه توطئه هم آغشته شده است. برخی محافل ایرانی، روسیه را عامل اصلی و پشت‌صحنه منازعات بین جمهوری اسلامی و دنیای غرب می‌دانند و بر این تصورند که آن کشور از انزوا و تحریم ایران سود می‌برد و به همین دلیل در مسیر آشتی تهران با اروپا و آمریکا سنگ‌اندازی می‌کند. این تصورات تا آنجا گسترش یافته است که برخی افراد عزل محمدجواد ظریف از معاونت راهبردی رئیس‌جمهور را با سفر اخیر سرگئی لاروف وزیر خارجه روسیه به تهران بی‌ارتباط نمی‌دانند و دست‌روس‌ها را در پشت ماجرا می‌بینند! روشن است که روس‌ها در جریان جنگ اوکراین که روابطشان با آمریکا و اروپا بسیار تیره شد، علاقه‌ای به بهبود روابط ایران و غرب نداشته‌اند و با استفاده از پهنادهای انتحاری ایران علیه مواضع اوکراین می‌کوشیدند تا رابطه تهران با بروکسل و واشنگتن را هر چه بیشتر به‌خامت بکشانند.

از طرفی در ایران هم برخی محافل، شاخ به شاخ شدن روسیه با غرب بر سر اوکراین را همچون فرصتی برای اتحاد استراتژیک با روسیه و تغییر نظم بین‌الملل می‌دیدند و آشکارا از سیاست نزدیکی هر چه بیشتر با مسکو حمایت می‌کردند.

با این حال، در تمام سه سال گذشته که روسیه درگیر جنگ اوکراین بوده است، مسکو و تهران در بسیاری از مسائل منطقه‌ای، افق و جهت همسانی نداشته‌اند و در برخی مراحل اختلافاتشان از پرده بیرون افتاده است. در سال‌های اخیر روس‌ها ضمن علاقه به حفظ رابطه خود با جمهوری اسلامی، برای رابطه گرم و نزدیک خود با تمام کشورهای عرب حوزه جنوبی خلیج فارس به‌خصوص عربستان و امارات و بحرین، اهمیت زیادی قائل بودند و در یک مرحله حتی از ادعای امارات در مورد سه جزیره ایرانی در خلیج فارس حمایت کردند. اضافه بر این، روس‌ها هیچ‌گاه، هیچ تمایلی به تیره شدن روابط خود

با اسرائیل نداشته‌اند و به طور واضح با نوع رویکرد جمهوری اسلامی در این باره، فاصله خود را حفظ کرده‌اند. به واقع، براساس یک قاعده رایج در روابط بین‌الملل، روسیه رابطه خود را با ایران در چارچوب منافع کلان خود دنبال می‌کند، یعنی همان کاری که دیگر کشورها هم انجام می‌دهند. به عبارت روشن‌تر، تعقیب منافع یک کشور در نظام بین‌الملل امری تابع بازی شطرنج همواره متغیر جهانی است که با جایگاهی دائمی مهره‌های متعدد، آرایش آن به هم می‌خورد و این نیز به نوبه خود بازی تازه‌ای را از سوی بازیگران طلب می‌کند.

ظاهراً این فقط در کشور ماست که محافل متنفذی، امور جهان را از ازل تا به ابد منجمد می‌دانند و هرگونه تغییر و تحول و انعطاف در برابر رویدادها را عدول از «اصول لاینحرف» خود قلمداد می‌کنند!

به هر حال، با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، آرایش بازی شطرنج جهان به کلی دگرگون شده است. عمده تحول در این مورد به خارج شدن روابط آمریکا و روسیه از تیرگی و حرکت به سمت بهبود و چه‌بسا همگرایی بین‌المللی است. طبیعی است که روس‌ها، ساز خود را با آهنگ جدید هم‌ساز کنند و این کار را پیشاپیش آغاز کرده‌اند! در ماه‌های اخیر روسیه و اسرائیل علائم فراوانی از بهبود رابطه خود نشان داده‌اند. اسرائیل برای خوشایند کرملین به قطعنامه اروپا در مجمع عمومی سازمان ملل در کنار کشورهای چو کره شمالی و روسیه سفید رأی منفی داد و پس از آن، گزارش‌ها از تلاش دولت نتانیاهو برای متقاعد کردن آمریکا به موافقت با حفظ پایگاه‌های نظامی روسیه در بندر طرطوس سوریه حکایت دارد. روسیه نیز در مقابل، کمترین انتقادی نسبت به سیاست دولت نتانیاهو در برابر نوارغزه، سوریه و لبنان مطرح نکرده و در عین حال، از مقام‌های اسرائیلی برای حضور در مراسم رژه ارتش روسیه به مناسبت سالگرد شکست آلمان نازی دعوت به عمل آورده است. ظاهراً روس‌ها پی برده‌اند که لای دولت نتانیاهو در تعیین برخی سیاست‌های کاخ سفید بسیار مؤثر است و از همین رو، برای جلب نظر ترامپ و پایان جنگ اوکراین دست به کار همراهی با دولت اسرائیل شده‌اند.

حال با چنین رویکردی، آیا مداخله پوتین در منازعه اتمی ایران را باید فرصتی برای جمهوری اسلامی به شمار آورد یا تهدید؟ در واقع، پاسخ به این پرسش مستلزم آگاهی از نوع فرمولی است که روس‌ها برای حل اختلافات ایران و آمریکا به عنوان میانجیگر در نظر گرفته‌اند. درباره فرمول مورد نظر آنها تا این لحظه هیچ اطلاعی در دست نیست. با این حال، به نظر می‌رسد که هدف اصلی روس‌ها جلوگیری از جنگ و برخورد نظامی بین آمریکا و اسرائیل از یک طرف و ایران از طرف دیگر باشد. این هدف در هر حال، می‌تواند فرصت به حساب آید به‌خصوص اگر همراه با ارائه تضمین‌های امنیتی طرف‌های مقابل به ایران و رفع کامل تحریم‌ها باشد. با این حال، واضح است که دستیابی به چنین هدفی جز از راه انعطاف‌های بسیار درناک از سوی تهران امکان‌پذیر نباشد.

نوع واکنش جمهوری اسلامی به میانجیگری روس‌ها نیز همچنان محل ابهام است. بدون تردید دست‌زدن به سینه روس‌ها، عواقب بسیاری دارد و چه‌بسا آنها را به همراهی با آمریکا و اسرائیل علیه ایران به‌بهای دریافت امتیازاتی در جنگ اوکراین ترغیب کند. پاسخ‌آری به میانجیگری روس‌ها نیز مستلزم تغییر آرایش نیروهای سیاسی در داخل و انزوا و طیف‌های تندروتر است که این نیز بسیار بعید است به آرامی و بدون دردسر صورت گیرد.

به هر صورت با آغاز سال نو، ماجراهای بسیاری در پیش است.

حامیان دولت رئیسی طلبکار شدند

بررسی واکنش مدیران دولت سیزدهم پس از حکم دادگاه چای دیش

نیز به این موضوع ورود کردند. این کنش‌های رسانه‌ای پس از حضور سنگنجوی دستگاه قضا در تلویزیون شدیدتر شد. روز گذشته دفتر سیدرضا فاطمی امین با انتشار بیانیه‌ای به صحبت‌های جهانگیر واکنش نشان داد. در بخشی از این بیانیه می‌خوانیم: «آیا وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌تواند شخصاً فعالیت‌های ۱۶۰۰۰ نفر از کارکنان وزارت صمت و همه مجوزهای صادرشده را بررسی و کنترل کند؟ آیا وزیر باید حدود ۱۵۰ هزار ثبت سفارش در ۵۰۰ نوع کالا (ریف ترفه) که توسط ده‌ها هزار واردکننده، وارد می‌شوند را خودش بررسی کند تا اهمال نکرده باشد؟ اگر قرار باشد صادرکننده مجوز کسب‌وکار آن‌هم بالاترین مقام آن سازمان در تخلفات و جرائم احتمالی دریافت‌کنندگان مجوز معاونت داشته‌باشد؛ پس وزیر صمت در تخلفات و جرائم احتمالی حدود ۷۰ هزار واحد صنعتی، ۱۰ هزار معدن، ۳ میلیون واحد صنفی، ۵۰ هزار متقاضی سرمایه‌گذاری، ۴۰ هزار دارنده کارت بازرگانی، ۹۰ هزار انبار و سالیانه بیش از ۱۵۰ هزار ثبت سفارش معاونت دارد! مثلاً وزیر صمت باید در پرونده بدهکاران بانکی هم متهم شود! با چنین رویکردی همه مسئولان کشور، متخلف و مجرم هستند!»

▼ چرا وزرای روحانی دادگاهی نشدند؟

امیرحسین ثابتی، نماینده تهران روز گذشته در مجلس گفت: «قوه قضائیه اولویت‌های ترک فعل را در پرونده چای دیش فراموش نکند؛ این ماجرا از سال ۹۸ شروع شد. چرا هیچ کدام از وزرای دولت روحانی مورد برخورد قرار نگرفتند؟ اگر بنای ورود به ترک فعل‌ها را دارید، چرا به پرونده امثال رنگنه و آخوندی و نعمت‌زاده و همتی به خاطر ترک فعل و سوءتدبیرهایشان رسیدگی نمی‌شود؟» محمدمهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد دولت سیزدهم قبلی از صحبت‌های رئیس‌جمهور مر حوم چهار روز قبل از سقوط هلی کوپتر که از سه روز قبل در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شده را منتشر کرد و نوشت: «این صدای همراه با بغض، مظلومیت و ولایت‌پذیری رئیسی شهید را چهار روز قبل از شهادت، مجدد ببینید و بشنوید. بدانید نور الهی خاموش شدنی نیست؛ او بزرگ و عزیز است و این مقام را خدایش به او داده است. با تهمت و ظلم و ستم به او بدنامی را در همین حیات دنیوی تجربه خواهد کرد. ان‌الله عزیز ذو انتقام.» سیدابراهیم رئیسی در این فیلم، در جریان جلسه هیئت دولت می‌گوید که با توجه به توصیه مقام رهبری درباره عدم طرح موضوعاتی که زمینه ایجاد اختلاف میان قوا را دارد، از طرح چنین مباحثی خودداری می‌کند.

▼ تکلیف دیگر پرونده‌های «ترک فعل» هم روشن کنید

علی نادری، مدیرعامل سابق خبرگزاری ایرنا در دولت سیزدهم از اولین مدیران میانی و چهره‌های آشکار این دولت بود که به این احکام واکنش نشان داد. نادری در توییتش نوشت: «آنچه از متن حکم فاطمی امین و ساداتی‌نژاد و میزان مجازات‌شان بر می‌آید، محکومیت بابت قصور و کوتاهی است که منجر



پشت پرده رفتن ظریف

ظریف هزینه تعمیرات ساختمان معاونت را خود پرداخت کرده است؟ گفت: «هزینه تعمیر نه‌اما هزینه احداث یک سال بزرگ ۸۰ نفره را پرداخت کرد؛ آنهم از منابع غیردولتی.»

او درباره استعفای ظریف تأکید کرد: «ایشان استعفا ندادند و تلقی‌اش این است که از کار کنار گذاشته شده است. این دو مفهوم خیلی متفاوت است. حال کسانی که می‌خواهند تقصیرات خود را بیوشانند یا افرادی که از همه گریش‌ها به غایت می‌ترسند در تلاشند که برچسب‌هایی مانند دادن استعفا... به ایشان بزنند. از سوی دیگر یک‌صدم این فشارهای داخل و خارج و برچسب‌هایی که ظریف متحمل می‌شود، باعث حذف شدن یا انصراف دادن هر کس دیگری در ایران می‌شود. می‌خواهند این برچسب‌ها و فشارها با ظریف مقابله کنند. چون توان مقابله از جنس دیگری را ندارند و تلاش می‌کنند ایشان را لوٹ کنند.»

معاون سیاسی و بین‌الملل معاونت راهبردی ریاست جمهوری تأکید کرد: «به هر حال آقای اژدها، رئیس قوه قضائیه ایشان را دعوت کرده و توضیحاتی که در مورد ارجاع پرونده از طرف مجلس به دیوان عدالت اداری دادند، این تلقی را برای آقای ظریف به وجود آورده که کنار گذاشته شده است و ایشان با این امر در واقع موافقت کردند. بنابراین این به معنی «استعفا» نیست.» او با اشاره به اینکه از همان زمان ظریف به معاونت راهبردی هم نرفته است، گفت: «ایشان به دانشگاه برگشتند.» کریمی در پاسخ به این سوال که ظریف می‌توانست چه

گروه خبر: شاید هیچ‌وقت تصور نمی‌شد که نیروهای موسوم به جریان انقلاب، احکام صادرشده از سوی دستگاه قضایی را سیاسی بخوانند. اما این اتفاق اخیراً در واکنش به صدور حکم زندان برای دو وزیر دولت سیدابراهیم رئیسی رخ داد. البته مشخص نیست این دست واکنش‌ها برای حفظ تصویری است که از رئیس فقید دولت سیزدهم ساخته شد یا ریشه در زاویه گرفتن جریان تندرو با دستگاه قضایی در ماه‌هایی که گذشت دارد. هر کدام از این دو اتفاق که در میان باشد، مهره‌های اصلی دولت سیزدهم و جریان پایداری به‌طور علنی و تمام‌قد به سیدرضا فاطمی امین وزیر اسبق صمت و سیدجواد ساداتی‌نژاد وزیر پیشین جهاد کشاورزی پرداختند.

اصغر جهانگیر، روز ۱۳ اسفند در توضیح این حکم گفت: «به موجب حکم صادره در خصوص سیدجواد ساداتی‌نژاد و سیدرضا فاطمی امین وزرای وقت جهاد کشاورزی و صنعت معدن و تجارت به اتهام معاونت در اخلاخ در نظام اقتصادی کشور به‌طور عمده و کلان موضوع تبصره دو ماده دو قانون مجازات اخلاخلگران در نظام اقتصادی کشور حکم محکومیت هر کدام به ۵ سال حبس تعزیری صادر شده ولی دادگاه در اجرای مواد ۲۶ و ۳۷ از قانون مجازات اسلامی و ماده شش از قانون کاهش حبس تعزیری محکومیت سیدجواد ساداتی‌نژاد را به دو سال و محکومیت سیدرضا فاطمی امین را به یک سال تخفیف و کاهش داده است.»

▼ عملیات رسانه‌ای

کنشگری آنان در این حوزه را می‌توان دسته‌بندی کرد. از لحاظ رسانه‌ای، بار فضاسازی علیه این احکام بر عهده رجانویز است. این حضور قدرتمند، پس از حضور اصغر جهانگیر در شبکه‌های خبر با قدرت بیشتری ادامه پیدا کرد. میثم نیلی، برادر داماد سیدابراهیم رئیسی، صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول رجانویز که از او به عنوان مرد نفوذ عرصه فرهنگ و هنر دولت سیزدهم و امروز صداوسیما نام برده می‌شود، ۱۴ اسفند در حساب‌وپراسی خود نوشت: «ظلم همیشه بد است و از کسانی که قرار بوده منتسب به عدل و انصاف باشند، به مراتب بدتر... ظاهراً پروژه فراگیر سیاسی وفاق برای انگ‌زدن و اعتبارزدایی به هر نحو ممکن از شخصیت شهید مظلوم رئیسی و عناصر انقلابی و پاکدست دولتش، حتی پس از شهادت او هم برای بعضی‌ها تمام نشده است. الله‌یعلم بما فی ذات الصدور.» بخش بعدی واکنش‌ها را باید در توییت فارسی پیگیری کرد که اکانت‌های موسوم به سایبری تلاش می‌کنند با استفاده از بازی با کلمات «فساد» و «ترک فعل» اصل ماجرا را زیر سوال ببرند. جمع‌بندی محتوای تولیدشده در توسط این اکانت‌ها نشان می‌دهد که در تلاش هستند با تأکید بر کلیدواژه‌هایی مانند «فسادستیزی» و «کشف فساد توسط دولت شهید رئیسی» با این احکام بازی کنند. قسمت دیگر از واکنش‌ها نیز به صحن مجلس بر می‌گردد که بیشتر این بخش تاکنون بر عهده امیرحسین ثابتی، بوده است. روزنامه‌های جوان و کیهان

در واکنش به تلاش دوباره تندروها برای ابلاغ قانون حجاب

پزشکیان: در مقابل مردم نخواهم ایستاد

قانون حجاب را داشت. طی روزهای گذشته تحصنی محدود از سوی چند نفر نیز با درخواست ابلاغ این قانون از سوی رئیس مجلس برگزار شده است و هنوز ادامه دارد. در حال حاضر، دبیر شورایعالی امنیت ملی جلوی ابلاغ این قانون را به خاطر تبعاتی که برای جامعه و کشور به دنبال خواهد داشت، گرفته است. مسعود پزشکیان نیز با توجه به همین ملاحظات، پیش از این قانون حجاب و عفاف را ابلاغ نکرد. با توجه به ورود شورایی‌عالی امنیت ملی به این موضوع، رئیس مجلس نیز تاکنون از ابلاغ قانون مذکور خودداری کرده است. در حال حاضر، فشار زیادی از سوی تندروها برای اجرایی شدن این قانون وجود دارد.

اینکه این افراد می‌دانند و آگاهانه انکار می‌کنند تا سهم بیشتری از قدرت ببرند. جالب اینکه پیش‌بینی‌های جدول مزبور درباره ناترازی برق و گاز و بزین نیز نزدیک به واقعیت است. کشوری هستیم که درگیر یک شبهه‌جنگ خارجی است و در عین حال، با بیشترین تنش‌های سیاسی درون‌ساختاری هم مواجهیم. این باعث تأسّف فراوان است که تا این اندازه شاهد عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی سیاسی شده‌ایم.

این یعنی مطابق پیش‌بینی‌های کارشناسی دولت رئیسی، وضعیت موجود با کمترین عوارض در صورت ادامه سیاست‌های دولت پیشین است. بنابراین، معلوم نیست اعتراض تندروها به چیست؟ به‌طور قطع، اگر خودشان بر اداره دولت مسلط بودند، نتایج به مراتب بدتر و بدتر بود؛ پس چرا حملات خود را متوجه این دولت کرده‌اند؟ در پاسخ باید گفت که یا دولت قبل این اطلاعات را به همکارانش نمی‌داد و آنان را در ناآگاهی نگه می‌داشت یا

ادامه سر مقاله